

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۰۷

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۴ دی ۱۳۹۲، ۲۵ دسامبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدالگیریان

## دلنویسه زانیار مرادی از زندان رجایی شهر:

### دلیم برای مریوان و دریاچه زریبار تنگ شده است!

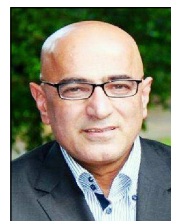


متن نامه زانیار مرادی که در اختیار خبرگزاری هرانا قرار گرفته را در اینجا میخوانید.

چند روز است که خیلی به گذشته ام فکر می کنم، گذشته ای که پر از شادی و بازی های کودکانه، والدینم، دوستانم و همچنین زادگاه دیدنی و قشنگ مریوان بود. دلیم برای تک تک آنها تنگ شده است.

صفحه ۲

## سوز سرمای پائیزی و بارش برف زیبایی زمستانی



نسان نودینیان

کارگران خواستار این امر هستند که به این موضوع توجه شود. «تاکیدها از من است» راه عملی تامین بیمه بیکاری در میان کارگران و کسانی است که بفرکر تامین بیمه بیکاری هستند. این نوشته آغاز تحرك و تلاش برای طرح و رسیدن این خواست را زده است. کارگران در کردستان ده ها تجربه عملی و قابل اتکا از مبارزه برای تحقق مطالباتشان را دارا هستند. کارگران روزهای اول ماه مه با شکوه را تجربه کرده اند. کارگران فستیوال کودکان و جشنهای آدم برفیها را در شهرهای کردستان به نمایش گذاشته اند. کارگران فولاد زاگرس قروه تجربه گرانبها

صفحه ۲

### سوز سرمای پائیزی و بارش برف زیبایی زمستانی

این مقاله از ویلاگ "مریوان نیوز" بر گرفته شده. تصویر زنده از زندگی کارگران فصلی است. یکی از نکته های قابل توجه و عملی این مقاله به این شکل بیان شده «یکی از عمده مشکلات کارگران فصلی، تحت پوشش نبودن از نظر بیمه است؛

## پاسخ مینا احدی به سخنان مرضیه افخم سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی

### خجالت بکشید و بساط دروغ و ریاکاری اتان را جمع کنید!



و پدران اعدام شدگان در همین دوره روحانی ابراز کند و ببینند مردم به او چه پاسخی میدهند. آیا این سیاه نمایی است که همین يك هفته گذشته این همه جوان را در زندانهای قرون وسطایی اتان اعدام کردید، گوشه ایستان را باز کنید این افراد را شما در این

صفحه ۴

جناب مرضیه افخم میفرمایند: "در قبال وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران اغراق و سیاه نمایی صورت می گیرد" اگر این خانم جرات میکنند همین حرف را بدون محافظت و پاسداران تا دندان مسلح در یک خیابان در تهران و چشم در چشم مردم و زنان و دانشجویان و مادران

جناب مرضیه افخم سخنگوی وزارت خارجه دولت معتدل و ظاهرا "خوش خیم" اسلامی، در پاسخ به قطعنامه سازمان ملل و محکومیت نقض حقوق بشر در ایران، همان دروغهایی را تحویل جامعه و دنیا میدهد که اسلاف و پیشینیان این حکومت چند دهه است که آنها تکرار میکنند.

## نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری روانسر از دریافت دو ماه دستمزدهای معوقه خود محروم مانده اند. کارگران که در اعتراض به این مسئله بارها به شهرداری و شورای شهر مراجعه و هیچ جوابی دریافت نکردند، نهایتا شکایت خود را به فرمانداری این شهر بردند اما فرماندار رژیم به نام "صفری" در پاسخ به خواست برحق کارگران، آنان را آشوبگر خطاب و تهدید نمود. کارگران خواهان طبیعی ترین مطالبه خود - دریافت دومه

صفحه ۳

### لیچار گویی و دشمنی جلال صفری فرماندار شهر روانسر علیه اعتراضات کارگران



صفحه ۵

صفحه ۵

صفحه ۶

غارنگران حاکم را باید به زیر کشید و تحت پیگرد قرار داد  
دختران شین آباد در مقابل کاخ ریاست جمهوری دست به تحصن اعتراضی زدند  
هزاران کارگر چندین مرکز صنعتی دست به اعتصاب زدند

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## سوز سرمای پائیزی ...

از اتحاد و همبستگی و اتکا به تصمیم جمعی در قالب مجمع عمومی را برای تحقق مطالباتشان اشتغال و یا بیمه بیکاری را در تابستان امسال تجربه کرده اند. هم اکنون مبارزه ای وسیع و پر دامنه برای افزایش دستمزدها در سطح سراسری در جریان است. در آذر ماه امسال جنبش کارگری ده ها تجمع و تحصن و اعتراض را حول مطالبات فوری افزایش دستمزدها و پرداخت حقوقهای معوقه را شروع کرده است. بزرگترین مراکز کارگری و هزاران در تهران و اصفهان و تبریز و اهواز برای این مطالبات اعتراض کرده و میکنند. کارگران بیکار در مریوان هم بخشی از این اردوی میلیونی طبقه کارگر هستند. بیمه بیکاری خواست فوری کارگران در سطح میلیونی است. شهر مریوان به دلیل موقعیت جغرافیایی - مرز مشترک با عراق - شهری ثروتمند و با درآمدهای میلیونی است. این شهر نزدیک به ده میلیارد دارد. درآمدهای کلان این شهر میلیاردها تومان است. مردم شهر مریوان باید از کانال ارگانهای منتخب خود بر این درآمدها نظارت داشته باشند. بخش عمده درآمدها باید در اختیار صندوق ویژه شهروندان در شهر و روستاهای مریوان باشد. این درآمدها را باید به تامین بیمه بیکاری و تامین هزینه های رفاه و امنیت اجتماعی در شهر اختصاص داد.

سوز سرمای پائیزی و بارش برف زیبایی زمستانی برای عده ای خوشایند و برای عده ای وداع با نان خشک داخل سفره آنان است؛ آری آنان کارگران هستند که هرروز منتظر گزینش از طریق صاحب کاران و یا استاد کارها بوده تا اینگونه بتوانند امرار معاشی کرده باشند.

خانواده های کارگری همواره برای تامین معیشت خود با مشکلات زیادی روبه رو بوده اند و درآمدشان، نیمی از مخارج سرسام آور زندگی امروزی آنان را تامین می کند؛ حقوق و مزایای کارگری جوابگوی نیازهای خانواده نیست. با وجود این که کارگران زحمات بسیاری متحمل می شوند و ممکن است حوادث پیش بینی نشده در حین کار برای آنان به وجود آید، متأسفانه از امنیت شغلی در جامعه برخوردار نیستند. اطراف میدان های شهر بیشتر روزها، محل اجتماع کارگران روزمزد است که در سرمای جان سوز و گرمای غیر قابل تحمل؛ برای کسب رزق و روزی از طلوع خورشید ساعت ها انتظار می کشند که شاید کاری به آنان پیشنهاد شود، تا با دستمزد آن نیاز خانواده خود را تامین کنند. سرمای زمستانی مغز استخوان را نوازش می کند؛ ظهر است و خبری از گرمای آفتاب نیست. وارد مرکز اجتماع کارگران ساختمانی و فصلی در ضلع شمالی میدان چهارراه انقلاب می شوم. علاوه بر ترافیک ناهمگون سنج و نا هماهنگی چیدمان کسبه های شهر که در خیابان انقلاب به نحوه شایسته ای بی مدیریتی شهری را به نمایش گذاشته است. این طرف و آن طرف چهارراه انقلاب را پرند فروشان با ارائه انواع مختلف پرند ها؛ تزئین کرده اند و در این میان خیل سردرگم و از سرما گریزان کارگران فصلی سنج قابل توجه است. آنانی که ساک به دست به دنبال ماشین های که توقف می کنند، فرار می کنند و براین باورند که روزی امروزشان هم رسید. درد دل های کارگران فصلی اغلب به یک سبک است. همه از بیکاری می نالند. جوان نقاش ساختمانی

می گوید: «۱۰ روز است که هیچ کاری نکرده ام. از صبح اینجا می نشینم تا عصر آخر هم...» همین که سوال می کنم چرا به داخل مرکز اسکان کارگران نمی روید یکی می گوید: «آنجا هنوز راه اندازی نشده وگرنه شاید خوب باشد... مسئولین خانه کارگر استان کردستان، انگار در خواب خوشی به سر می برند و از اتفاقات جاری و ساری در این دیار بی اطلاع هستند البته هم حق دارند چون در استانی که برای انتخاب مسئول خانه کارگر، شخص اول تصمیم گیری (استاندار) به خود اجازه دخالت بدهد و یک غیر بومی نا آشنا به اوضاع و شرایط کردستان را بر این منبر بنشانند اوضاع از این بهتر نخواهد شد. یکی از عمده مشکلات کارگران فصلی، تحت پوشش نبودن از نظر بیمه است؛ کارگران خواستار این امر هستند که به این موضوع توجه شود. محمد یک کارگر فصلی در این باره گفت: با وجود تلاش بسیار، هم اینک که در سن ۴۵ سالگی هستم هیچ گونه منبع درآمدی ندارم تا در دوران سالمندی به آن اکتفا کنم. وی ادامه داد: حالت خوش بینانه این است که تا ۱۰ سال آینده بتوانم کار کنم، اما مابقی عمر خود را چگونه بگذرانم زیرا هیچ بیمه ای ندارم تا بتوانم امورات زندگی ام را بچرخانم. اما یک کارگر فصلی ممکن است در طول ماه چند روز مشغول به کار باشد با این دلیل امرار معاش کارگران را با مشکل مواجه می کند. نداشتن امنیت شغلی اولین مساله ای است که مشکلاتی برای جامعه کارگری در پی دارد. اما سوز سرما به کنار، بی کاری و بی پولی به کنار؛ نگرانی جامعه کارگری، موضوع اصلاح قانون کار و تامین اجتماعی است؛ در صورتی که قرار باشد قانون کار اصلاح شود باید به نفع کارگران اصلاح صورت گیرد. اصلاحات باید به نفع اقشار کم درآمد باشد و در آن عدالت اجتماعی و توسعه پایدار لحاظ شود. مقوله کارگری همواره با حوادث

از صفحه ۱

## دنبشته زانیار مرادی ...

شاید واقعا بعد از پنج سال دوری و درد و رنج، اعدام و خیلی مشکلات دیگر نتوانم خاطرات خود را به یاد بیاورم و یا شاید با همین خاطرات باشد که تا امروز توانسته ام خود را حفظ کنم. دلم برای صدای دل نشین مادرانه ای که صبح ها با هزار امید و آرزو از خواب بیدارت می کند و با دستان محبت آمیزش نوازش می کند تنگ شده است، اما در این پنج سال به جای آن نوازشها پوتینهایی را صبح زود جلوی سلول خود میبینم که احساس میکنم که آمده اند که امروز من را قربانی کنند و به چوبی دار بسپارند. ای کاش می توانستم بار دیگر با پدرم بنشینم و چهره اش را هنگام خندیدن ببینم و مانند دو تا دوست قدیمی گپ بزینم. شاید این چیز هایی که میگویم در روز چندین بار برای هر انسان آزاده و دور از بند پیش بیاید اما تنها این خاطرات است که یک زندانی محکوم به اعدام میتواند با آنها زندگی کند و امید زندگی را دوباره به دست بیاورد. دلم برای زادگاهم مریوان و همچنین دریاچه دلنشین آن زربار تنگ شده است. نمی دانم این خاطرات تا کی و کجا با من خواهند ماند مسانند. همه وقت به این فکر می افتم که شاید چند روز دیگر و یا شاید چند ساعتی دیگر باید این

خاطرات شیرین را با خود به خاک بسپارم حس عجیبی به سراغم می آید و به خود می گویم ای کاش که اصلا بزرگ نمی شدم و تا آخر عمر در آغوش مهربانانه ی مادرم همچون کودکی که تمام فکرش بازی کردن است می ماندم نه این که بزرگ شوم و این دنیای بی رحم و بی عدالتی را ببینم. دنیایی که آدمهایش به خاطر منافع خود حاضرند تن به هر ذلت و بی عدالتی بدهند. امیدوارم این درودلهایم با شما عزیزان باعث رنجش و آزارتان نشود، لازم دانستم این را بنویسم تا توانسته باشم با والدینم سخنی گفته باشم و بدانند که هنوز پشت این دیوارهای ترک برداشته و میله های زنگ زده ی زندان به پادشان هستم و هر دم دوستشان دارم. زانیار مرادی زندانی سیاسی محکوم به اعدام زندان رجایی شهر ۹۲/۹/۲۹ کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان میخواهد بهر طریق ممکن، به حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی اعتراض کنند و خواهان لغو فوری حکم اعدام این دو نفر شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۱ دسامبر ۲۰۱۳

کند. کارگر سواره با خنده ای معنی دار برای دوستانش دست تکان می دهد. انگار خود را خوش شانس تر از آنها می داند. و این روایتی تکراری در زندگی کارگران فصلی است که همه روزه قابل بیان است و ترس از تکرارش به هیچگونه مایه دلزدگی و ترک ایستگاه سرما برای کسب روزی نیست. نویسنده: شورش عزیزی

پیش بینی نشده همراه است، وقتی که کارگران تحت پوشش بیمه باشند می توانند از مزایای آن برخوردار شوند و بخشی از مشکلات اقتصادی آنان رفع می شود. و در آخر وانتهی می ایستد و ده کارگر به سمت آن می روند. راننده یک کارگر ساده می خواهد اما در رقابتی شدید «۲ نفر درب جلو را باز می کنند و جلو مستقر می شوند» «۹-۸ نفر هم عقب! مرد پیاده می شود و به غیر از کارگر قوی هیکل؛ دیگران را پیاده می

زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!

از صفحه ۱

## نگاه هفته ...

دستمزدهای معوقه - شدند. چرا اعتراض به پرداخت نکردن دستمزدها با لیچارگویی "جلال صفری" جواب گرفته است؟ این سوال و اعتراض به دشمنی و مخالفت با کارگران خدماتی و فضای سبز باید مساله مردم شهر روانسر و جوانان و دانشجویان باشد! کارگران خدمات شهری در کشورهای غربی از جانب مردم دارای بیشترین حمایت و پشتیبانی هستند. اعتصاب و تظاهرات آنها مورد حمایت میلیونی است. کارگران خدماتی و فضای سبز را فرامیخواهیم به رفتار ضد انسانی "جلال صفری" اعتراض کنند. برای تحقق مطالباتشان دستمزدهای پرداخت نشده اعتراضاتشان را ادامه دهند.

### ادامه کارشکنی مقامات قضایی و امنیتی در جهت آزادی افشین ندیمی و مهرداد صبوری

۲ دی: به گزارش رسیده روز شنبه ۳۰ آذر ماه خانواده‌های افشین ندیمی و مهرداد صبوری دو عضو بازداشتی کمیته هماهنگی جهت پیگیری پرونده به دادگستری شهر سنندج مراجعه نمودند که با عکس‌العمل تند و بی حرمتی از طرف مقامات قضایی رو به رو شدند. به آنها گفته شد از این به بعد حق ندارند پیگیری این پرونده باشند و چنین پرونده‌ای به این دادگاه نیامده است و دادگاه خود در این مورد تصمیم خواهد گرفت. این در حالی است که مقامات قضایی شهر کامیاران به خانواده‌های این دو فعال کارگری گفته بودند که پرونده فرزندان را به دادگستری شهر سنندج فرستاده و آنان با وثیقه تعیین شده می‌توانند آزاد شوند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن محکوم کردن کارشکنی مقامات قضایی در روند آزادی افشین ندیمی و مهرداد صبوری، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان و همچنین سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد.

### تحلیل شرایط سخت کار و کنترل

اخیرا بر اساس مصوبه هیئت

امنای شهرک صنعتی شماره یک سنندج کلیه کارگاههای محدوده این شهرک به منظور کنترل کارگران موظف به نصب دوربین های مداربسته شده اند. این کارگاهها با وجود اینکه کارگران را به صورت کیلویی و یا متری به کار گرفته و آنها را به شدت استثمار می کنند ولی هیچگونه امکانات رفاهی را که حتی قانون کار خود رژیم بر آنها تاکید دارد فراهم نمی سازند. این کارگاهها نه تنها وسیله ایاب و ذهاب و یک وعده غذایی گرم بلکه حتی کفش و لباس کار هم برای کارگران تهیه نمی کنند. توجیه کارفرمایان این است که اینها کارگاههای کوچک هستند نه کارخانه. لازم به ذکر است که زنان شاغل در این کارگاهها به شدت مورد استثمار کارفرمایان قرار دارند. تعداد کارگاههای این شرکت حدود ۴۷ کارگاه می باشد.

### باز پی ۱۳۹۲. ۲۸ کارگر قربانی حوادث کار

طی ماههای مهر، آبان و آذر سال جاری بر اثر حوادث مرتبط با کار ۲۸ کارگر در نقاط مختلف از جمله در شهرهای سردشت، کرمانشاه، بوکان، نقده، سروآباد، سنندج، ارومیه، جواهرود و پیرانشهر جان خود را از دست داده اند. در همین مدت دهها کارگر نیز دچار مصدومیت شده اند.

### جان باختن کارگری دیگر در حین کار

به گزارش رسیده روز سه شنبه ۲۶/۹/۹۲ کارگری به نام "عزیز دانایی" اهل روستای "کویک" از توابع شهر کامیاران که در معدن سنگ خامسان در نزدیکی کامیاران مشغول کار بود بر اثر سقوط سنگ دچار حادثه شد و متأسفانه جان خود را از دست داد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن ابراز تسلیت به خانواده ی عزیز دانایی، وقوع چنین حوادثی را ناشی از سودخواهی کارفرمایان دانسته و خواهان برقراری استانداردهای ایمنی در محل های کار جهت حمایت از جان کارگران می‌باشد.

### ادامه اخراج سازی ها

کارفرمای شرکت سقزسازی

کردستان (ون) همچنان به اخراج کارگران با سابقه این شرکت در راستای سودخواهی بیشتر ادامه می دهد. به گزارش "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری"، کارفرمای شرکت سقزسازی کردستان اقدام به اخراج کارگری دیگر به نام "محمد هادی" با ۹ سال سابقه شغلی نمود. چند روز قبل نیز کارگری به نام "عثمان منبری" با سابقه ۱۵ سال کار در این شرکت به بهانه کهنولت سن و ناتوانی در انجام کار اخراج شد.

### مرگ دلخراش یک کارگر بر اثر حادثه

به گزارش رسیده روز دوشنبه ۲۵/۹/۹۲ کارگری به نام "آکو محمودیسی" اهل سنندج حسین کار با دستگاه پرس در یک کارگاه تراشکاری واقع در شهرک صنعتی این شهر دچار حادثه شد و به درون دستگاه کشیده شد و جان خود را از دست داد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن ابراز تسلیت به خانواده و دوستان آکو محمد ویسی، وقوع چنین حوادثی را ناشی از سودخواهی کارفرمایان دانسته و خواهان رعایت استانداردهای ایمنی در محیط کار جهت حمایت از جان کارگران می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

### مرگ ۴۵ کارگر در استان کرمانشاه بر اثر حوادث کار طی ۶ماه نخست سال جاری

۳۰ آذر: مدیرکل پزشکی قانونی استان کرمانشاه مرگ بر اثر حوادث کار در استان کرمانشاه را ۴۵ مورد عنوان کرد و افزود: این آمار مربوط به ۶ ماه نخست سال جاری است.

### جلسه محاکمه ۵ فعال کارگری شهر بوکان

به گزارش رسیده روز دوشنبه ۲۵/۹/۹۲ هادی تنومند، جمال میناشیری، محمد کریمی قاسم مصطفی پور و ابراهیم مصطفی پور از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در شهر بوکان در شعبه اول دادگاه انقلاب شهر مهاباد محاکمه شدند. اتهام این فعالین کارگری عضویت در کمیته هماهنگی و شرکت در مجمع عمومی کمیته در سال ۹۰ در شهر کرج می باشد. در جلسه

دادگاه، ۵ عضو کمیته هماهنگی از فعالیت هایشان در کمیته هماهنگی به منظور دفاع از حقوق کارگران و کمک به امر تشکلهای کارگران دفاع کردند. لازم به ذکر است که این فعالین برای چندمین بار است که مورد محاکمه قرار می گیرند. کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن محاکمه ی این فعالین کارگری، خواهان رفع اتهام از آنان و همچنین آزادی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

### تعیین وثیقه ۱۴۰ میلیون تومانی برای افشین ندیمی و مهرداد صبوری

بر اساس گزارش رسیده، پس از پیگیری های متعدد خانواده های افشین ندیمی و مهرداد صبوری از دادگستری شهرهای کامیاران و سنندج، در نهایت مسئولین دادگاه شهر کامیاران به این خانواده ها اعلام کرده اند که برای آزادی این دو فعال کارگری ۱۴۰ میلیون تومان وثیقه تعیین شده و آنان بایستی به دادگاه شهر سنندج مراجعه کنند. برای عضویت در کمیته هماهنگی و مصاحبه ۱۳۰ میلیون تومان سند و همچنین خروج از مرز جواز به مبلغ ۷ میلیون تومان درخواست شده است. لازم به ذکر است که خانواده های این دو عضو کمیته هماهنگی چندین بار به دادگاه های سنندج و کامیاران مراجعه کرده

بودند اما مسئولین قضایی از وجود چنین پرونده ای اظهار بی اطلاعی کرده بودند. همچنین مسئولین قضایی بر این دو عضو کمیته هماهنگی فشار آورده اند که از کمیته استعفا داده و در این راستا آنها را به بند ۶ در آن زندانیان غیرسیاسی و متهمان مواد مخدر و... نگه داری می شوند، انتقال داده اند در حالی که زندانیان سیاسی در زندان مرکزی سنندج معمولاً در بندهای پاک ۱ و ۲ و بند سلامت نگهداری می شوند. واقعیت این است که سرمایه داری، بیکاری، فقر و محرومیت را بر ما کارگران تحمیل کرده و هر روز بیشتر و بیشتر گلو می کارگران را می فشارند و ذره ذره زندگی ما را برای منافع و رفاه خود خرج می کنند. سرمایه داران دارای تمامی امکانات روز و رسانه ای و تبلیغاتی و احزاب و ارگان ها برای ابراز نظر در جامعه هستند، اما ما کارگران از هر گونه

امکانات محروم هستیم و امروز ایجاد تشکلهای کارگری از بدی ترین و شناخته شده ترین حقوق مسلم ما کارگران در سرتاسر دنیا است. آنها نمی گذارند ما کارگران تشکلهای داشته باشیم. محافظان سرمایه به تشکلهای ما حمله می کنند، دستگیرمان می کنند تحویل دادگاه می دهند، وثیقه های سنگین تعیین می کنند و احکام زندان و شلاق برایمان صادر می کنند. خواست آزادی کلیه کارگران زندانی

در ایران، خواست کل طبقه کارگر است. کارگران زندانی برای حفظ و دفاع از حق و حقوق و منافع کارگران و از میان برداشتن همه نا برابری های بشری و استثمار انسان از انسان و رهایی از فقر و بیکاری و بی حقوقی و رهایی از هر گونه ظلم و ستم و بی عدالتی که بر کارگران زحمتکش تحمیل شده زندانی هستند. ما ضمن محکومیت دستگیری مهرداد صبوری و افشین ندیمی و نیز ضمن محکوم کردن تعیین وثیقه برای آزادی این فعالین کارگری، از تمام تشکلهای و نهادهای کارگری ایران و جهان می خواهیم به هر شیوه ممکن که لازم است برای آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی کارگران زندانی اقدام نمایند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

### اعلام اتهام علیه مهرداد صبوری و افشین ندیمی دو تن از فعالین کارگری

بر اساس گزارش رسیده، اتهام مهرداد صبوری و افشین ندیمی دو تن از فعالین کارگری که در ۱۷ آبان سال ۹۲ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند، خروج از مرز، عضویت در کمیته هماهنگی و همچنین مصاحبه اعلام شده است. لازم به ذکر است که این دو فعال کارگری ۱۷ آبان ماه در حالی که بعد از چند ماه کارگری در کردستان عراق به ایران باز می گشتند دستگیر شده و همچنان در بازداشت به سر می برند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن محکوم کردن تداوم بازداشت مهرداد صبوری و افشین ندیمی خواهان آزادی فوری این دو فعال کارگری و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین زندانیان سیاسی می‌باشد.

## پاسخ مینا احدی ...

دو هفته کشته اید! این البته آماری است که سازمانهای علیه اعدام از زندانها تهیه کرده و یا رسانه های حکومت شما آنها را اعلام کرده اند، هنوز اعدامهای زیادی هستند که اعلام نمیشوند و خبرش به ما نمیرسد.

**کرمانشاه یک نفر - زاهدان دو نفر - ارومیه ۷ نفر - عادل آباد شیراز ۳ نفر - قزوین ۱ نفر - بم ۱ نفر - رشت ۱ نفر - گسارگان ۱ نفر - کرج ۷ نفر**

حداقل ۲۴ نفر را در دو هفته در زندانها اعدام کرده اید، من صدای تعدادی از این اعدام شدگان و یا هم بندیهای آنها را دارم، سند از این مهمتر پیدا نمیشود. خجالت بکشید و با قیافه ای بیرحم و لبخندی مسخره بر لب، این نوع جملات کهنه شده نظیر "استفاده ابزاری و سیاسی از حقوق بشر میشود" تحویل جامعه ندهید. اینها توجیهات نخ نمایی هستند که قبلا هم جلادان در تاریخ و در همین ایران تحویل مردم داده اند.

جناب افخم همین امروز خبر رسید که پروین گراوند زن ۵۲ ساله کرمانشاهی در تاریخ ۱۷ آذر ماه پس از گذشت ۳ روز از تاریخ اعدام فرزند خود بنام فریدون خنجری، بر اثر تالمات روحی با طناب دار خود را حلق آویز کرد و به زندگی خود خاتمه داد. این فقط یک گوشه از وضعیت سیاهی است که حکومت شما بر مردم ایران تحمیل کرده است. روزی نیست که در ایران خبر از خودکشی جوانان و یا والدین بر اثر فقر و یا مرگ بر اثر آلودگی هوا و یا عدم دسترسی مردم به دکتر و بیمارستان بخاطر هزینه های بالای بهداشت و درمان در ایران و غیره و غیره را نشنوم، میتوانید این اخبار را نگاه کنید و باز هم وقاحت و پررویی بخرج داده و چنین راحت در مورد بهبود اوضاع در ایران حرف بزنید و سازمان ملل را بدلیل "سیاه نمایی" محکوم کنید؟

آیا خجالت نمی کشید که در آن جامعه مشتتی دزد و برادران حزب الهی شما با غارت و چپاول و بالا کشیدن میلیاردها دلار پول، از لجنی که ساخته اید ارتزاق میکنند

و کارگر شریف و زحمتکش آن جامعه ماهها حقوق دریافت نمیکند، در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی همه شما میلیونها جوان بیکارند و سیاستهای ضد انسانی حکومت شما میلیونها نفر را یا معتاد و یا افسرده کرده و جامعه را با یک بحران عمیق اجتماعی روبرو کرده است؟ این یک جهنم واقعی است که شما اسلامپها و حکومت فاشیست اسلامی در ایران ساخته است. آیا این سیاه نمایی است. خجالت نمی کشید که در مقابل

مردم ایران و در محضر جامعه ای پیشرفته و انسان دوست روزانه در زندانها میکشید و زندانی سیاسی را دق مرگ میکشید و از این زندان به آن زندان تبعیدشان میکنید، و زندگی را بر همه آنها به یک کابوس و جنگ دائمی با نهادهایی که حرف

حالی اشان نمیشود و فقط زورگویی میکنند، تبدیل کرده اید؟ همین دیروز چهارشنبه بود که مادر و همسر یک زندانی سیاسی، پیمان عارفی بدلیل تبعید شدنش به یک زندان دیگر در راه بازگشت از زندان

به محل زندگی خود تصادف کردند و هر دو متأسفانه از دست رفتند. یک خواست همه زندانیان اینست که اقلاً بگذارید در شهر خودمان در زندان باشیم و تبعیدمان نکنید آیا این درخواست زیادی است؟ و شما درست همان روز با قیافه ای حق به جانب احم کرده و ابرو در هم میکشید که چرا نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرده اند. قاتلین این دو نفر هم حکومت شما است چه بدلیل تبعید زندانیان و چه بدلیل مفتخوری و بی کفایتی حکومت اسلامی اتان بدلیل عدم رسیدگی به ایمنی وسائط نقلیه و جاده ها.

می فرمایید: "کلیت قطعنامه مشحون از موارد خلاف واقعیت است که منبع و ماخذی جز سایتها و رسانه های مرتبط با بانینان غربی این قطعنامه و گروه های تروریستی بدنام و وابسته ندارد.

این هم حرف همه سران و ارادل و اوباش اسلامی از روز قدرت گرفتن این حکومت منحوس در ایران بوده است. خمینی جلا رهبرتان با همین ادبیات حرف زد و دستور قتل هزاران جوان و نوجوان را داد و

پاسداران وحشی آترمان سبعانه در میدانهای تیر دسته جمعی صدها نفر را تیرباران کردند و به کودکان دختر ۱۳ ساله قبل از اعدام تجاوز هم کردند و سپس از خانواده ها تقاضای پول و شیرینی کردند.

این کنه حکومتی است که در ایران ۳۴ سال است جنایت میکند و می چاید و اکنون نقش به شما واگذار شده که از این کشتی در هم ریخته به نوعی با شامورتی بازی دفاع کنید. اما از من قبول کنید قیافه شما امروز بدلیل مبارزات مردم و بی آبرویی مطلق حکومت اتان نزد مردم، بیشتر رقت آور است تا تهدید آمیز.

به شما و همه اعوان و انصار حکومت فاشیست اسلامی قول میدهم که دیر یا زود این بساط را جمع خواهیم کرد و آن موقع میخوام کسی مثل شما جرات کند و در جمع مردم از حکومت و اعمال و کردار امروزان دفاع کند!

مینا احدی

۱۹ دسامبر ۲۰۱۳

از صفحه ۳

## نگاه هفته ...

نزدیک به محل سکونت در اولویت باشد» شایان ذکر است طبق گفته علی احمدبگ، معاون اداره کل امور مین زدایی اقلیم کردستان براساس آمارهای موجود، اقلیم کردستان بعد از کشورهای آنگولا و کامیوج سومین منطقه از نظر وسعت مین گذاری در جهان است.

## دستگیری و زندان

۲۹ آذر: نیروهای امنیتی رژیم "انور قریشی" ساکن شهر دیواندره را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل نمودند. نیروهای امنیتی رژیم منزل این شهروند ۴۸ ساله را قبل از بازداشت وی مورد تفتیش قرار دادند و اقدام به ضبط برخی وسایل شخصی از جمله اتومبیل وی نمودند. انور قریشی از کاسبکاران سرشناس منطقه دیواندره است.

.....  
.....

## قتلگاهی به اسم میدان های مین

بیش از سه هزار منطقه خطرناک آلوده به مین در اقلیم کردستان وجود دارد و پاکسازی کامل این مناطق تا ۲۰ سال زمان می برد. آکو عزیز، مدیر بخش اطلاع رسانی سازمان امور مین رومی در اقلیم کردستان عراق طی گفتگو با سایت خبری نوا گفت: «براساس تحقیق و تفحص های انجام شده بیش از سه هزار منطقه خطرناک مین گذاری شده در اقلیم کردستان عراق وجود دارد. بدون شک پاکسازی و خنثی کردن مین های این مناطق به زمان زیاد و بودجه و امکانات لازم نیاز دارد و نمی توان زمان معینی را مشخص کرد که بگویم مناطق آلوده به مین پاکسازی شده اند بلکه این پروسه ای است که بین ۱۵ تا ۲۰ سال طول می کشد و بهتر است پاکسازی مناطق

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تانما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

**سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!**

## غار تگران حاکم را باید به زیر کشید و تحت پیگرد قرار داد



چپاول و غارت ثروت‌های عمومی توسط سران حکومت اسلامی یک رکورد تاریخی را نشان می‌دهد. هر بار ارقام عظیم تری از چپاولها به صدر اخبار می‌آید. آخرین خبرهایی که این روزها منتشر شده گویای یک پروژۀ عظیم انتقال پول و طلا از ایران به ترکیه و روسیه از سال ۸۸ به بعد است.

پلیس ترکیه افشا کرده است که یک تاجر ایرانی بنام رضا ضراب که با بابک زنجانی از سرمایه داران وابسته به حکومت مرتبط بوده است، سالها مشغول انتقال پولهای بسیار کلان و کامیونهای حامل شمشهای طلا از ایران به ترکیه و از آنجا به دوبی و روسیه بوده است. سخن از حداقل ۸۷ میلیارد یورو (معادل ۱۲۰ میلیارد دلار) پول و

چندین تن شمش طلاست. و این تنها یک گوشه از چپاول سران حکومت است که به دلیل مانع تحریمها و انتقال غیر قانونی به ترکیه و روسیه رو شده است. برای پولشویی این همه دزدی، همین تاجر ایرانی بیش از ۱۵۰ میلیون یورو رشوه به وزرای دولت اردوغان و آقازاده هایشان و روسای بانکهای ترکیه پرداخت کرده است، به نحوی که این مساله به یک بحران سیاسی در ترکیه تبدیل شده است.

روشن است که خارج کردن چنین حجمی از پول و طلا از کشور بدون همکاری و مشارکت تعدادی از مقامات و ارگانهای بالای حکومت اسلامی عملی نیست. هیچکس نمیداند که طی همین سالها یعنی از سال ۸۸ تا کنون بطور "قانونی" و "غیر قانونی" چه میزان از ثروت‌های عمومی این کشور از جانب سران و آقازاده های حکومت و سرمایه داران وابسته به حکومت به کشورهای دیگر انتقال یافته است. و این در شرایطی است که برای رفع ساده ترین

نیازهای مردم ادعا میکنند خزانه دولت خالی است.

افشای این غارت‌های نجومی چند هفته پس از افشای امپراطوری عظیم مالی خامنه ای توسط خبرگزاری رویترز صورت میگیرد که نشان میدهد علاوه بر پولهای عظیم در خارج کشور، ثروت‌های او در داخل ایران به بیش از ۹۵ میلیارد دلار بالغ میشود و کارخانه ها و شرکتها و ساختمانها و معادن و مستغلات زیادی را در سراسر ایران شامل میشود. خبرهای پی در پی در رسانه های جمهوری اسلامی نیز حاکی از دزدیهای کلانی است که در سازمان تامین اجتماعی توسط دولت احمدی نژاد و باند سعید مرتضوی صورت گرفته است. طرف مقابل نیز تهدید کرده است که اگر قوه قضائیه جرات کند دادگاهی در ارتباط با این دزدیها تشکیل دهد، صحنه دادگاه را به محل افشای دزدیهای سران بالای حکومت، از جمله خود سران قوه قضائیه و تعداد کثیری از نمایندگان مجلس تبدیل خواهد

کرد. به این دزدیها باید افشاگری های پالیزدار را اضافه کرد که لیست بلند بالائی از تقریباً تمام آیت اله های جمهوری اسلامی را همراه با سند و مردک اسم برده بود که بیلیون ها دلار از ثروت این مملکت را مصادره و در اختیار خود و آقازاده هایشان قرار داده اند.

داستان دزدیهای آیت الله ها و مقامات و تجار وابسته به حاکمین، داستانی بی انتهاست. با این پولها میتوان به میلیونها بیکار بیمه درمان و تحصیلی را کاملاً رایگان کرد، میتوان معضل مسکن را حل کرد، میتوان مردم را از فقر و فلاکت و محرومیت خلاص نمود، میتوان میلیونها جوان به اعتیاد کشیده شده را مداوا نمود و انبوه زنان تن فروش را از این وضعیت جهنمی نجات داد، میتوان مشکل آلودگی هوا و کمبود آب مردم را حل کرد و جامعه ای مرفه پایه ریزی نمود. این حاکمیت یک مشت غارتگر بر این جامعه است که اکثریت کارگران و مردم را به نان شب محتاج کرده است. بسیاری را به کلیه فروشی واداشته و بسیاری از زنان را به تن

فروشی رانده است. بسیاری از کودکان و جوانان را به کارتون خوابی کشانده است و میلیون ها کودک را از تحصیل محروم کرده است. باید به این جهنم و حکومت یک مشت دزد و تبهکار پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران پیگیری کیفرخواست کارگران و مردم ایران علیه حاکمین دزد اسلامی را وظیفه خود میداند. تلاش ما اینست که مراجع بین المللی را به دفاع از حقوق پامال شده مردم ایران و پیگیری غارت‌های عظیم آنها بکشانیم. ما همه مردم را به اعتراض گسترده به سران حکومت و متحد شدن برای هرچه زودتر سرنگون کردن چپاولگران حاکم فرا میخوانیم. ما همه سازمانهای سیاسی را به تلاش برای به جریان انداختن یک کارزار بین المللی علیه چپاول دارایی های مردم و پیگرد دزدان حاکم و بیرون کشیدن دارایی های عمومی از حلقوم آنها فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ آذر ۱۳۹۲ -  
۲۰ دسامبر ۲۰۱۳

## دختران شین آباد در مقابل کاخ ریاست جمهوری دست به تحصن اعتراضی زدند



در وضعیت اورژانسی بسر می‌برند و مسئولان بیمارستان های فاطمه زهرا و محب تهران می‌گویند تا زمانی هزینهی درمانی آنان واریز نگردد از عمل جراحی دختران امتناع خواهند کرد.

یکی دیگر از اعتصاب‌کنندگان با انتقاد شدید از نمایندگی پیرانشهر در مجلس اظهار داشت: آقای خضری در مسجد روستای شین‌آباد قول پنج میلیارد تومان برای هزینهی درمان این دختران داده بود که نه تنها خلف وعده کرد بلکه هزینهی درمانی یک سال گذشته به خانواده‌ها نیز پرداخت نمی‌شود.

روز پانزدهم آذرماه سال گذشته ۳۷ دانش‌آموز دختر مدرسه‌ی ابتدایی به دلیل آتش‌سوزی کلاس درسشان در روستای شین‌آباد از توابع شهرستان مرزی پیرانشهر در استان آذربایجان غربی دچار سوختگی شدند که بر اثر این حادثه دو تن از این دانش‌آموزان به نام‌های "سیرین یگانه" و "سارینا رسول‌زاده" جان باختند.

خانواده ۱۲ دختر مصدوم در حادثه‌ی آتش‌سوزی مدرسه‌ی شین‌آباد از ظهر امروز در مقابل کاخ ریاست جمهوری در تهران دست به تحصن اعتراضی زدند.

به گزارش آژانس خبرسانی گُردیا، از ساعتی قبل دختران مدرسه‌ی شین‌آباد پیرانشهر به‌همراه خانواده‌هایشان در خیابان پاستور و محل دفتر حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران دست به اعتصاب زدند.

پدر یکی از این دختران در تماسی تلفنی به خبرنگار آژانس گُردیا گفت: به دلیل خلف وعده مسئولان وزارت آموزش و پرورش مبنی بر پرداخت هزینه‌ی درمانی دختران شین‌آباد از امروز ظهر در مقابل کاخ ریاست جمهوری تحصن کردیم و تا دیدار با آقای حسن روحانی به گُردستان باز نخواهیم گشت.

آقای صالح پدر نادیا صالح در ادامه افزود: بسیاری از این دختران

## هزاران کارگر چندین مرکز صنعتی دست به اعتصاب زدند



### کارگران شیپور مبارزه برای افزایش دستمزد را به صدا درمیآورند!

در هفته های گذشته اعتصابات بزرگی در چندین مرکز کارگری برای افزایش دستمزد، پرداخت حقوق معوقه و جلوگیری از اخراج ها سازمان داده شده است. کارگران پتروشیمی های ماهشهر که خواست دومیلیون تومان دستمزد را مطرح کردند، کارگران نیشکر هفت تپه، پلی اکریل اصفهان، کارگران فازه های ۱۸ و ۱۹ عسلویه و کارگران ذوب آهن اسدآباد همدان از جمله این مراکز بودند. در ادامه این اعتراضات روز شنبه ۳۰ آذرماه هزاران کارگر ایران خودرو، پلی اکریل و نیشکر هفت تپه و کارگران شرکت گاما در عسلویه وارد اعتراض شدند.

کارگران ایران خودرو ظهر روز شنبه در اعتراض به پایین بودن دستمزدها از رفتن به ناهارخوری و دریافت غذا خودداری کردند و خواهان افزایش حقوق و مزایای خود شدند. طبق گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، زمزمه اعتراض به پایین بودن دستمزدها در شرکت

ایران خودرو مدتهاست وجود دارد و اعتراض دیروز کارگران این کارخانه با شرکت حدود ۸۰ درصد کارگران مونتاز ۴ (سواری) و تراشکاری صورت گرفت. مونتاز ۴ ایران خودرو یکی از مهمترین قسمتهای این کارخانه بزرگ است و در آن حدود ۱۰ هزار کارگر مشغول بکارند.

۵۰۰ کارگر کارخانه پلی اکریل اصفهان نیز از روز شنبه با خواست ۲۰ درصد افزایش دستمزد، پرداخت فوری حقوق معوقه مهر و آبان و پاداش سالیانه خود و در اعتراض به سیاست کوچک سازی کارخانه و چند خواست دیگر، در محوطه کارخانه تجمع کردند و دور سوم مبارزه خود را شروع کردند.

کارگران نیشکر هفت تپه صبح روز شنبه در محوطه کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان پرداخت فوری دو ماه حقوق و پاداش سالیانه خود شدند. و طبق خبر دیگری که به حزب رسیده است، امروزیکشنبه اول دیماه حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت گاما واقع در فاز ۱۲ کنگان (عسلویه) به علت واگذاری شرکت به پیمانکار جدید و اخراج دسته جمعی دست به

اعتصاب زده و اعلام کردند که تا دریافت کامل تمام حقوق و مزایای خود دست از اعتصاب نخواهند کشد و پای هیچ تسویه حسابی نخواهند رفت. ۲۷۰ کارگر این شرکت چندین ماه است هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند.

این اعتصابات و سایر اعتصاباتی که در ماههای اخیر در نقاط مختلف کشور و مراکز بزرگ کارگری صورت گرفته است، تداوم آنها و خواست های کارگران اعتصاب کننده، همگی نشاندهنده فضای تازه ای در جنبش کارگری است. کارگران پتروشیمی های خوارزمی و بسباران در ماهشهر، خواست دو میلیون تومان دستمزد را در اعتصابشان مطرح کرده اند. این خواست باید به پرچم مبارزات کارگران در سراسر کشور و بویژه در مراکز کلیدی مانند نفت و ماشین سازی ها، لاستیک سازی ها، و شرکت واحد و غیره تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات کارگران و خواست های آنها اعلام میکند و کارگران مراکز صنعتی در سراسر کشور و اعضای خانواده های آنها را به پیوستن به مبارزه متحد و قدرتمند برای افزایش چند برابر دستمزد فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱ دیماه ۱۳۹۲،  
۲۲ دسامبر ۲۰۱۳

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:  
Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

آلمان:  
Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

کانادا:  
Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

هلند:  
Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:  
Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azamouh  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیسی  
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید  
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

#### از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

#### از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!